

# سمن‌ها و توانمندسازی زنان در ایران و بنگلادش<sup>۱</sup>

رقیه کرمانیان<sup>۲</sup>

احمد مرکز مالگیری (نویسنده مسئول)<sup>۳</sup>

حسن زارعی محمودآبادی<sup>۴</sup>

بنت الهدی بنایی<sup>۵</sup>

## چکیده

اساس شکل‌گیری و قدرت یافتن سمن‌ها بر کاستن از اختیارات دولت‌ها در حوزه‌های مختلف، استوار بوده است. از مهم‌ترین این حوزه‌ها، حوزه زنان و موضوع توانمندسازی حقوقی آنان است. یکی از کشورهایی که در راستای توانمندسازی حقوقی زنان به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته، کشور بنگلادش است. بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش، بررسی تفاوت‌های دو کشور ایران و بنگلادش در توانمندسازی حقوقی زنان به لحاظ ظرفیت‌های سمن‌هاست. به این منظور، نظریه توانمندسازی حقوقی مارگارت شولر با استفاده از بخش‌هایی از نظریه استفن گلوب، به عنوان چارچوب مفهومی این تحقیق استفاده شد. در این چارچوب مفهومی، با استفاده از روش اسنادی، داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش تحلیل گشت. این پژوهش در نهایت به این نتیجه رسید که اصلی‌ترین تفاوت میان بنگلادش و ایران، در شاخص‌های ابتکارات، محتوا و درخواست است. سمن‌ها در بنگلادش با اجرای برنامه‌های هدفمند، در جهت تغییر محتوای قانون گام برداشتند و مهم‌تر آنکه سازکارهایی را برای اطمینان از اجرای صحیح قوانین حامی حقوق زنان اتخاذ کردند؛ اما در ایران این سازکارها به حاشیه رفته یا شکست خورده است. وابسته نبودن سمن‌ها در بنگلادش و در مقابل نیمه‌دولتی بودن سمن‌ها در ایران و تغییر ماهیت آنها از اصلاحگر به حمایتگر را می‌توان ریشه این تفاوت‌ها بیان کرد.

**واژگان کلیدی:** سمن‌ها، توانمندسازی، توانمندسازی حقوقی زنان.

---

۱. تاریخ دریافت: ۹۸۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۸۹/۲۱

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران؛

rkemnian@yahoo.com

۳. دکتری حقوق عمومی، استادیار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ایران؛

markazma@gmail.com

۴. استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد؛ zarei2020@yahoo.com

۵. کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام؛ b\_banaei@yahoo.com

## ۱- مقدمه

سازمان‌های غیردولتی به منظور فعالیت در راستای توسعه اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌شوند که در عرصه جهانی با عنوان سازمان مردم‌نهاد،<sup>۱</sup> تشکیل، یا ان.جی.ا<sup>۲</sup> مطرح هستند و به داوطلبانه و عام‌المنفعه بودن فعالیت‌های آنها اشاره دارد (بیگزاده، ۱۳۷۳، ص ۲۹۹). در واقع یکی از عوامل اهمیت این سازمان‌ها، همین وابسته نبودنشان به دولت است (بابامرادی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۷-۲۷۰). تحولات اخیر در عرصه حقوق بین‌الملل، سمن‌ها را به یکی از نقش‌آفرینان مهم تبدیل کرده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۴۲). برای مثال، مطالبه حقوق بشر و توجه سمن‌ها به محیط زیست در عرصه جهانی، تغییراتی را در مناسبات حقوقی بین‌المللی ایجاد کرده است. در این میان، سازمان‌هایی نیز شکل گرفته‌اند که خواهان رفع بی‌عدالتی‌ها در عرصه حقوق زنان هستند.

در طول تاریخ، داوری‌های گوناگونی درباره حقوق زنان شده است. (Hosken, Fran, 1981, p. 1-). این حقوق معمولاً شامل حق رأی، حق کار، حق مالکیت، حق تحصیل و حقوق سرپرستی می‌شود (Lockwood, Bert B, 2006). این در حالی است که گسترش ارتباطات و آگاهی‌های اجتماعی، تغییر در وضعیت زنان را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در چنین شرایطی است که توانمندسازی حقوقی زنان، به هدف اصلی برخی از سمن‌ها تبدیل شده است (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۳۹).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که سمن‌های مذکور، در واقعیت چه نقشی را می‌توانند در راستای توانمندسازی حقوقی زنان ایفا کنند؟ به تعبیر دیگر، مسئله اصلی این مقاله، این است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های سمن‌ها برای توانمندسازی حقوقی زنان استفاده کرد؟

یکی از کشورهایی که در راستای توانمندسازی حقوقی زنان به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است، کشور بنگلادش است؛ به نحوی که به کشور سازمان‌های غیردولتی معروف شده است. بنگلادش همانند ایران از کشورهای اسلامی است که با عنوان «در حال توسعه» از آن نام برده می‌شود. همچنین ایران و بنگلادش، هر دو، عضو پیمان دی‌هشت<sup>۳</sup> هستند. با این حال ایران به لحاظ اقتصادی صرفاً دارای ظرفیت بالای وارداتی از کشور بنگلادش است (بیات و صادقیان، ۱۳۹۴، ص ۷۹). مهم‌تر اینکه، بنگلادش به سبب وجود سازمان‌های غیردولتی، اکنون به کشوری پیشرو و خاستگاه تأمین مالی خرد در

۱. سازمان مردم‌نهاد در اختصار سمن نامیده می‌شود.

۲. NGO (Non governmental organization).

۳. پیمان میان هشت کشور اسلامی در حال توسعه که با عنوان گروه دی‌هشت شناخته می‌شوند. در کنار پیمان اکو، یکی از پیمان‌هایی است که ایران در آن عضویت دارد (بیات و صادقیان، ۱۳۹۴، ص ۸۰).



جهان تبدیل شده است (حسن‌زاده و قويدل، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸). وجود تعداد زیادی از سازمان‌های غیردولتی را که بعد از استقلال این کشور شکل گرفتند، می‌توان یکی از دلایل این موفقیت و در واقع یکی از ویژگی‌های بارز بنگلادش عنوان کرد (همان).

بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر به این صورت تکمیل می‌شود که چه تفاوتی میان دو کشور ایران و بنگلادش در توانمندسازی حقوقی زنان به لحاظ ظرفیت‌های سمن‌ها وجود دارد؟ به این منظور در اینجا پس از ارائه چارچوب مفهومی و روش تحقیق، بررسی مقایسه‌ای میان سمن‌های دو کشور بنگلادش و ایران انجام می‌شود.

## ۲- چارچوب مفهومی

محوری‌ترین مفهوم این پژوهش، مفهوم توانمندسازی است. توانمندسازی، فرایندی است پویا و خودجوش از متن بافت فرهنگی و اجتماعی یک جامعه که به افراد توانایی می‌دهد برای بهبود وضعیت زندگی خویش اقدام کنند (رفیعی، ۱۳۸۸، ص ۱۶-۱۷).

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، یکی از عرصه‌های مهم کاربرد اصطلاح توانمندسازی، حوزه مطالعات و تلاش‌های عملی مربوط به ارتقای وضعیت زنان است. توانمندسازی ابتدا در عرصه اقتصادی و مالکیت برای زنان بروز و ظهور یافت؛<sup>۱</sup> اما به تدریج به سایر حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز بسط یافت. تحولات جهانی موجب شد توسعه انسانی، هدف مطلوب همه جوامع<sup>۲</sup> قرار گیرد. در این فضا بود که توانمندسازی زنان از حوزه اقتصادی فراتر رفت و دیگر حوزه‌ها را متأثر ساخت. بر این اساس در اهداف توسعه پایدار ملل متحد، موضوع توانمندسازی همه زنان در دستیابی به مساوات جنسیتی، در زمره هدف پنجم از اهداف هفده‌گانه قرار گرفت.<sup>۳</sup> در حوزه توانمندسازی حقوقی زنان، رویکردهای مختلفی

---

۱. حتی هم‌اینک نیز برخی نهاد‌های جهانی وقتی از توانمندسازی زنان سخن می‌گویند، عمدتاً بر توانمندسازی اقتصادی یا سیاسی تمرکز می‌کنند. در نهاد زنان ملل متحد جایی که با عنوان اصول حاکم بر توانمندسازی زنان بیان می‌شود هفت اصل توانمندسازی اقتصادی برجسته است. رک:

<http://www.unwomen.org/en/partnerships/businesses-and-foundations/womens-empowerment-principles> (undp)

۲. از ۱۹۸۰ هر ساله واحد مشخصی در سازمان ملل به نام برنامه توسعه ملل متحد شاخص‌های معین وضعیت توسعه انسانی تمامی کشورهای جهان را رصد کرده و در قالب گزارش‌های سالیانه منعکس می‌کند که یکی از منابع مهم ارزیابی روند جاری در کشورهای مختلف است. در میان شاخص‌های گزارش‌های سالیانه مزبور، نابرابری جنسیتی و توسعه جنسیتی نیز قرار دارند: (<http://hdr.undp.org/en/data>).

۳. اهداف یا آرمان‌های هفده‌گانه توسعه پایدار و جزئیات شاخص‌های تابعه، در سامانه مربوط سازمان ملل درج شده است: <http://www.un.org/sustainabledevelopment/sustainable-developmentgoals/>



وجود دارد که هرکدام تعاریف و ویژگی‌های متفاوتی را پیرامون این مفهوم صورت‌بندی کرده‌اند. باین حال مهم‌ترین آنها را می‌توان به اندیشه‌های استفن گلوب و مارگارت شولر نسبت داد.

### ۱-۲- استفن گلوب

استفن گلوب<sup>۱</sup> معتقد است توانمندسازی حقوقی به معنای استفاده جمعیت محروم از خدمات حقوقی و فعالیت‌های مربوط به توسعه، برای افزایش کنترل آنها بر زندگی‌شان است (Stephen Golub, 2003). گلوب بر این اساس نقش‌ها، ظرفیت‌ها و قدرت جامعه محروم و مدنی را اولین شاخص برای توانمندسازی حقوقی معرفی می‌کند. او در ادامه بر انتخاب مسائل و راهبردها تأکید دارد. به باور او، مسائل باید براساس نیازها و ترجیحات در حال رشد و تحول افراد در نظر گرفته شود، نه به صورت ترجیحات از پیش تعیین‌شده که نهادهای دولتی ارائه می‌کنند؛ هرچند توجه به دستگاه‌های اداری و دولت‌های محلی در کنار سیستم‌های حقوقی غیررسمی، رسانه‌ها، گروه‌ها و سایر فرایندها و مؤسسات، در راستای ارتقای حقوق و رفاه فقرا می‌تواند بسیار مفید واقع شود. گلوب در ادامه بر ایده‌ها و ابتکارات داخلی و تجربه دیگر کشورهای در حال توسعه، به جای واردات غربی تأکید می‌کند. او در نهایت، جامعه مدنی را جایگزینی مناسب برای دولت جهت توانمندسازی افراد محروم معرفی می‌کند (همان).

### ۲-۲- مارگارت شولر

مارگارت شولر<sup>۲</sup> یکی از اعضای مؤسسه بانک توسعه آسیا<sup>۳</sup> است. آموزش و پرورش در نگاه او پیش شرط لازم برای فرایند توانمندسازی است. او بر این اساس، مدلی برای توانمندسازی حقوقی ارائه می‌کند که نقش مهمی در سازماندهی توانمندی‌های حقوقی به صورت تئوری و به شیوه‌ای هدفمند دارد (Daphne Keevil Harrold, 2007).

فرهنگ، ساختار، محتوا و درخواست، چهار مقوله‌ای هستند که شولر معتقد است باید در آنها برنامه‌ریزی صورت گیرد (Harrold, 2007, p.1-5). اساس مقوله فرهنگ، اصلاح فرهنگ حقوقی، یعنی توانمندسازی زنان و دیگران، از طریق شناخت حقوق آنان است. ساختار، مقوله بعدی است که از نظر وی به معنای قادر ساختن زنان و دیگر گروه‌های حاشیه‌نشین، به دسترسی به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی عادلانه است. محتوا سومین مقوله‌ای است که شولر بر آن تأکید می‌کند. او معتقد است که در سومین مقوله، لازم است به منظور بهره‌گیری زنان و دیگر گروه‌های حاشیه‌ای، برنامه‌های هدفمند در جهت تغییر محتوای قانون اجرا شود. در پایان، مقوله درخواست قرار دارد که به معنی اطمینان از اجرای

1. Stephen Golub
2. Margaret Schuler.
3. The Asian Development Bank.



صحیح قوانین و سیاست‌هایی است که به نفع زنان و سایر افراد محروم وضع شده است (همان). به این ترتیب، در اندیشه شولر نه تنها به لزوم آگاه‌سازی زنان از حقوق خود و دسترسی آنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی توجه شده، هم‌زمان بر لزوم وجود برنامه‌های هدفمند در جهت تغییر محتوای قانون و لزوم وجود سازکارهایی جهت اطمینان از اجرای صحیح قوانین حامی حقوق زنان تأکید شده است. بنابراین در این تحقیق، توانمندسازی حقوقی شولر، به دلیل توجه هم‌زمان به چهار شاخص فوق، به عنوان چارچوب مفهومی انتخاب می‌گردد.

با این حال از آنجا که مارگارت شولر مشخص نکرده که مسائل و نیز راهکارهای حل آنها در حوزه زنان چگونه تعیین می‌شود، اندیشه‌های او با کمک نظریات استفن گلوب تکمیل می‌گردد. همان‌گونه که بیان شد، گلوب معتقد بود مسائل باید براساس نیازها و ترجیحات در حال رشد و تحول افراد در نظر گرفته شود، نه به صورت ترجیحات از پیش تعیین شده که نهادهای دولتی ارائه می‌کنند. همچنین به باور او برای حل مسائل مذکور، لازم است از ایده‌ها و ابتکارات داخلی و تجربه دیگر کشورهای در حال توسعه استفاده شود، نه تجارب و ایده‌های وارداتی غربی. به صورت خلاصه، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر در قالب نمودار (نمودار ۱: چارچوب مفهومی تحقیق نمودار ۱) ارائه می‌شود. در این چارچوب، مقایسه‌ای میان دو کشور ایران و بنگلادش صورت می‌گیرد.



نمودار ۱: چارچوب مفهومی تحقیق



## ۳- روش تحلیل

همان‌گونه که بیان شد، اندیشه مارگارت شولر با استفاده از نظریات استفن گلوب به‌عنوان چارچوب مفهومی این تحقیق در نظر گرفته شد. در ادامه با استفاده از روش اسنادی و در چارچوب مفهومی، داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش بررسی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش، سمن‌هایی از دو کشور ایران و بنگلادش هستند که در راستای توانمندسازی حقوقی زنان فعالیت چشمگیری داشته‌اند.<sup>۱</sup>

## ۴- یافته‌های پژوهش

### ۴-۱- توانمندسازی حقوقی زنان در بنگلادش

همان‌گونه که در ابتدا بیان شد، توسعه انسانی همراه با تحولات جهانی، به‌عنوان هدف مطلوب دوران حاضر، مورد توجه قرار گرفت. در فصل دوم قانون اساسی بنگلادش، اصول اساسی سیاست دولت ذکر، و حقوق برابر زنان تأمین شده است. ماده ۱۰، ۱۱، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۲۹ این فصل از قانون، حقوق و آزادی‌های اساسی بشر و احترام به عزت انسان‌ها به‌صورت کلی، مالکیت خصوصی املاک برای زنان، مسئولیت دولت در برابر ممانعت از هر نوع بهربرداری از بخش‌های عقب‌مانده مردم، مسئولیت تأمین امنیت اجتماعی برای همگان از جمله زنان بیوه، و برابری فرصت و مشارکت زنان در همه حوزه‌های زندگی ملی را تضمین و تبلیغ می‌کند (sourav, 2015).

فصل سوم قانون اساسی بنگلادش نیز برابری همه شهروندان در برابر قانون را تضمین، و از این حق حمایت می‌کند. در ماده ۲۸ این قانون تصریح شده که کشور به‌هیچ‌وجه قائل به تبعیض دین، نژاد، جنسیت یا محل تولد نیست و زنان باید در همه عرصه‌ها با مردان برابر باشند. تضمین فرصت برابر در اشتغال عمومی برای همه شهروندان، حق مالکیت و انتقال اموال، شرکت زنان در انتخابات از هر حوزه انتخابیه و تخصیص پنجاه کرسی منحصر به زنان، از جمله حقوقی است که در ماده ۲۸، ۲۹، ۴۲ و ۶۵ این فصل قانون به آن تصریح شده است (همان).

اگرچه می‌توان از قانون اساسی بنگلادش، توجه به عدالت رسمی را نتیجه گرفت، قوانین جاری برگرفته از مذاهب مختلف در این کشور تبعیض‌آمیز است؛ به‌طور مثال، در مورد حق مالکیت<sup>۲</sup> یا مثلاً

۱. انتخاب این مؤسسات با نظر مشورتی آقای متولی، مربی طرح‌های آموزشی معاونت مشارکت‌های اجتماعی سازمان امور اجتماع وزارت کشور بوده است.

۲. اکثر زنان مسلمان و هندو با نابرابری حقوق در این زمینه مواجه‌اند. طبق قانون شرع اسلام، زن فقط نیمی از آنچه مرد از اموال پدرانه دریافت می‌کند، ارث می‌برد. با این حال، وراثت تنها فرصت برای مالکیت زمین برای زنان است؛ درحالی‌که طبق قوانین هندو، زنان هندو هیچ زمینی به ارث نمی‌برند. همچنین قوانین جدایی و طلاق برای هندوها، مسلمانان، مسیحیان و بومیان متفاوت است (Fyze, Asaf: 1974).



حق طلاق از آنجاکه قوانین مبتنی بر دین، حقوق شهروندان این کشور را تعیین می‌کند، میزان تبعیض برآمده از مذاهب در ادیان مختلف با یکدیگر متفاوت است (Fyze, Asaf: 1974). همچنین هزینه‌های هنگفت دادگاه‌های رسمی در بنگلادش را می‌توان مهم‌ترین دلیل اهمیت یافتن عدالت غیررسمی در آنجا دانست. زنان، افراد فقیر و گروه‌های محروم به دلیل وجود این هزینه‌ها، به ندرت با دادگاه‌های رسمی در بنگلادش ارتباط برقرار می‌کردند (Harrold, 2007: 9). افزون بر آن، عواملی نظیر رشوه، فساد، تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها و صدور حکم، و انضجار اجتماعی برای استفاده از دادگاه‌ها نیز باعث می‌شد که فقرا کمتر خواهان تعامل با نظام دادرسی رسمی باشند. در این شرایط بود که راهبردهای توانمندسازی حقوقی، از جمله بخش عدالت غیررسمی، در بنگلادش شکل گرفت تا از آن طریق اکثریت فقیران بتوانند از عدالت برخوردار شوند.

در واقع تسلط رویکرد جبری بر موضوع فقر در جهان را می‌توان یکی دیگر از ریشه‌های شکل‌گیری مؤسسات مختلف در بنگلادش دانست. در این رویکرد جبری، فقر یک مشکل حل‌ناشدنی و بی‌اهمیت قلمداد می‌شود. فقرا در این نگاه، سربار اجتماعی هستند و در نتیجه سهمشان به‌عنوان عامل سودرسان نادیده گرفته می‌شود (یونس، ۲۰۱۰، ص ۵۱).

در مقابل این رویکرد، تفکری به وجود آمد که دولت را ناجی مردم از فقر و حل‌کننده مشکل فقر در جهان معرفی می‌کرد. باین‌حال عوامل بسیاری مثل بروکراسی اداری، نقش دولت برای حل مشکلات اجتماعی را ناکافی می‌سازد. در نتیجه می‌توان گفت اگرچه دولت مزایایی دارد، به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات را حل کند. بر این اساس در بنگلادش، سازمان‌های غیرانتفاعی تأسیس شد تا برای حل مشکلات جامعه اقدام کنند (همان، ص ۱۰). مؤسسه بانک گرامین<sup>۱</sup>، مؤسسه بلاست<sup>۲</sup> و مؤسسه بانک توسعه آسیا<sup>۳</sup> از جمله این مؤسسات هستند.

### الف) مؤسسه بانک گرامین

مؤسسه بانک گرامین بر مبنای تجارب محمد یونس شکل گرفت. او متوجه شد که علی‌رغم افزایش بازده مزارع، افراد فقیر تقریباً هیچ بهره‌ای از بهبود محصول نمی‌برند. پس به این نتیجه رسید که ریشه مشکل، به وام‌دهندگان مربوط است. وام‌دهندگان، وام را منوط به فروش تمام تولیدات به نرخ وام‌دهنده می‌کردند که در عمل، هیچ بهره‌ای از تولیدات به وام‌گیرنده نمی‌رسید.

یونس برای حل این مشکل، سیاست جدیدی اتخاذ کرد؛ به این صورت که ضامن وام‌های افراد فقیر

1. Grameen
2. BLAST
3. The Asian Development Bank



شد. به همین ترتیب بسیاری از دانشجویان، داوطلبانه در نقش بانکدار با طرح وی همکاری کردند و این شروع کاری جمعی برای توانمندسازی جامعه فقیر بنگلادش بود. این طرح کوچک در ادامه به شکل گیری بانکی ویژه تحت قانونی مجزا انجامید و در نهایت در سال ۱۹۸۳ بانک گرامین تأسیس شد (یونس، ۲۰۱۰، ص ۲۳-۲۰).

ساختار بانک مذکور به این صورت است که هر وام گیرنده به یک گروه تعلق دارد. گروه‌ها نیز در نهایت در قالب مراکز به صورت یک شبکه بزرگ تر اجتماعی فعالیت می‌کنند. یکی دیگر از بخش‌های مهم برنامه بانک گرامین، در قالب دوازده تصمیم است که در واقع تعهدهای اجتماعی و شخصی است که در طول زمان تکامل یافته است (همان، ص ۳۰).

کاهش اتکا به منابع کمک‌دهنده، دادن وام با نرخ‌های بهره حقیقی، ابداع شبکه‌های توزیع کم‌هزینه، استقلال مدیریتی در تدوین سیاست‌های عملیاتی، نظارت دقیق بر مصرف وام و نرخ‌های بازپرداخت، ایجاد پس‌اندازهای روستایی خویش فرما، داشتن هزینه‌های اداری به نسبت پایین و غیرفزاینده، و توسعه بخشیدن به خدمات مالی در مناطق محروم، مهم‌ترین ویژگی‌های سیاستی مؤسسه بانک گرامین هستند (حسن‌زاده و قویدل، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰). اعطای وام بدون ضامن، پیشنهاد سرمایه‌گذاری مناسب، حقوق بازنشستگی و بیمه‌های مختلف، از جمله تسهیلاتی است که این مؤسسه به افراد فقیر می‌دهد (یونس، ۲۰۱۰، ص ۱۲۴).

بیشترین تمرکز مؤسسه بانک گرامین بر زنان است و ۹۷ درصد وام‌گیرندگان از این مؤسسه را زنان تشکیل می‌دهند. در نتیجه مطابق ارزیابی داخلی مؤسسه، ۵۸ درصد از وام‌گیرندگان از فقر نجات یافته‌اند (همان). این سیاست به تغییر تدریجی سلسله‌مراتب موجود در راستای بهبود عدالت جنسیتی و قدرتمند شدن زنان انجامید (روبن، ۲۹: ۱۳۹۰). به این ترتیب، توانمندی قشر فقیر و به ویژه زنان برای پرداخت هزینه دادگاه‌های رسمی، و نیز ایجاد عزت نفس در آنها و از بین رفتن ترسشان از تبعیض اقتصادی و تبعیض جنسیتی، در کنار قدرت یافتن نظام دادرسی غیررسمی، موجب تعامل آنان با نظام دادرسی گشت.

مؤسسه بانک گرامین در ادامه روند فقرزدایی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در دستور کار خود قرار داد. به این ترتیب، مؤسسه بانک گرامین سه نوع سرمایه‌گذاری را آغاز کرد: سرمایه‌گذاری در کارخانه‌های پارچه، سرمایه‌گذاری برای تشکیل شرکت غذای گرامین دانون، و در نهایت، سرمایه‌گذاری برای ایجاد شرکت تلفن گرامین فون.

رشد صنعت پارچه و لباس در بنگلادش نتیجه اولین سرمایه‌گذاری بانک گرامین بود. در نتیجه این سرمایه‌گذاری، امروزه دو میلیون دختر در کارخانه‌های پارچه در بنگلادش مشغول به کارند. بسیاری از





دختران فقیر به جای اینکه در سن کم ازدواج کنند، در کارخانه‌های مذکور فعالیت می‌کنند. نسل این زنان شاغل، فرهنگ سنتی را به تدریج تغییر داده و حساسیت‌های مذهبی درباره کار نکردن دخترها به حاشیه رفته است. مؤسسه بانک گرامین در کنار صنعت پارچه و لباس، در ایجاد شرکت غذای گرامین دانون نیز سرمایه‌گذاری کرد. در نهایت نیز با ایجاد شرکت تلفن گرامین فون موجب تلفیق سیاست وام خرد و سیاست کسب و کار برای زنان فقیر گشت. تجارت تلفن یک موفقیت و یک سرمایه‌گذاری مطلوب برای وام‌گیرندگان بانک گرامین بود. این سازکار به سریع‌ترین راه نجات از فقر و کسب احترام اجتماعی تبدیل شد (یونس، ۲۰۱۰، ص ۳۸).

به صورت کلی فکر اصلی این طرح‌های سرمایه‌گذاری، اعطای مالکیت بیشتر به زنان فقیر و تبدیل مؤسسه بانک گرامین به یک کسب و کار اجتماعی بود. در واقع مؤسسه بانک گرامین به یک درک درست در مورد ساختار و اهداف پروژه رسیده بود. این مؤسسه با ورود به جامعه محلی بنگلادش و شناسایی نقاط قوت و ضعف و نگرانی‌های جامعه، راه‌حل توانمندی زنان را در رفع فقر و توانمندی اقتصادی آنها یافت (همان، ص ۳۷-۴۶).

به این ترتیب می‌توان در چارچوب مفهومی این پژوهش، مؤسسه بانک گرامین را مؤسسه‌ای دانست که در راستای توانمندسازی حقوقی و بهبود وضعیت اجتماعی زنان، ابتدا با ورود به جامعه محلی، نیازهای واقعی زنان محلی را کشف کرد؛ سپس براساس درک درست از نیازها و با استفاده از ابتکار، سیاست جدیدی اتخاذ کرد. این مؤسسه در ادامه با توجه به ترجیحات در حال رشد و تحول زنان، فرصت‌های اقتصادی بیشتری را کشف کرد و تعهدات خود را وسعت بخشید.

کاهش اتکا به منابع کمک‌دهنده در نتیجه ابداع شبکه‌های توزیع کم‌هزینه، استقلال مدیریتی در تدوین سیاست‌های عملیاتی، نظارت دقیق بر اجرای قوانین حامی، دسترسی زنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی از طریق امکان پرداخت هزینه دادگاه‌های رسمی، و از بین رفتن ترس از تبعیض اقتصادی و تبعیض جنسیتی در کنار قدرت یافتن نظام دادرسی غیررسمی، تغییر و اصلاح محتوای قوانین از طریق برنامه‌های هدفمند، و مهم‌تر از آن تغییر برخی حساسیت‌های مذهبی<sup>۱</sup> به زنان و دختران جوان، از جمله سازکارها و شاخص‌های مؤسسه بانک گرامین است که به سریع‌ترین راه نجات از فقر و کسب احترام اجتماعی تبدیل شد.

۱. بر حساسیت‌های مذهبی مبنی بر کار نکردن دخترها چیره شده است. بسیاری از دختران فقیر به جای اینکه در سن کم ازدواج کنند یا قربانی قاچاق انسان شوند، به دنبال کار در کارخانه و کسب درآمد هستند تا بتوانند زندگی آبرومندی داشته باشند. فرزندان این مادران شاغل نسبت به فرزندان زنانی که در سن کم ازدواج کرده‌اند، زندگی به مراتب بهتر و آینده‌ای امیدوارکننده‌تر خواهند داشت (یونس، ۲۰۱۰: ۵۶).



## ب) مؤسسه بلاست

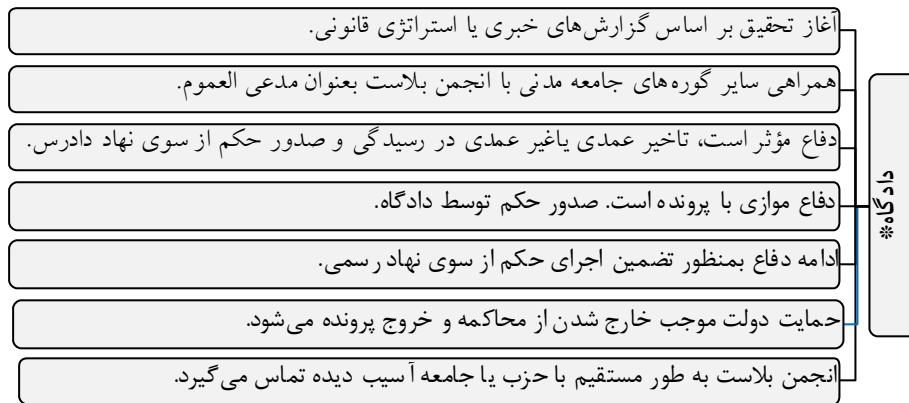
مشابه مؤسسه بانک گرامین، شروع فعالیت‌های مؤسسه بلاست نیز از طریق فهم دقیق چالش‌هایی بود که در بنگلادش وجود داشت. فرایندهای انتصاب تبعیض‌آمیز زنان در مناصب دولتی، تعداد محدود کرسی‌های پارلمان برای زنان و درنهایت جبران نکردن خسارت کارگران، از جمله چالش‌هایی بود که مؤسسه بلاست را بر آن داشت تا در پی تغییر محتوا و کاربرد قوانین موجود برآید (Harrold, 2007: 10). به این ترتیب بلاست به عنوان یک سازمان غیردولتی پا به عرصه گذاشت و اهداف خود را مبنی بر تغییرات در قوانین ملی، تغییر در اقدامات یا سیاست‌های دولت، و افزایش شفافیت و پاسخگویی دولتی تدوین کرد. این مؤسسه در گام اول به منظور تضمین عدالت همگانی، عرضه کمک‌های حقوقی رایگان و اجرای دعوی‌های حقوقی و فعالیت‌های حمایتی عمومی را در برنامه اجرایی خویش قرار داد؛ همچنین یک صندوق مالی را برای ایجاد و نگهداری واحدهای حقوقی و خدماتی ایجاد کرد؛ افزون بر آن، در انجمن‌های دادگستری مناطق مختلف کشور، از جمله مناطق روستایی، واحدهای حمایت از حقوق بشر را مستقر کرد.

مؤسسه بلاست در گام دوم، برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای را در راستای افزایش مهارت و تخصص وکلا، فعالان و دیگران ترتیب داد تا از این طریق، فعالیت واحدهای حقوقی و خدماتی را با سازمان‌های دولتی و غیردولتی دیگر هماهنگ سازد. انتشار مقالات پژوهشی، آگاهی‌بخشی درباره لزوم کمک‌های حقوقی به افراد محروم، برگزاری سمینارها و سخنرانی‌های گسترده در مورد موضوعات مختلف حقوقی، از جمله این برنامه‌هاست (Harrold, 2007: 9).

اما آنچه در تمامی این فعالیت‌ها، مؤسسه بلاست را برجسته می‌سازد، این نکته است که اکثر فعالیت‌های مؤسسه مذکور بر استفاده صحیح از قوانین موجود متمرکز شده‌اند، نه اصلاح قوانین (Harrold, 2007, 10). مؤسسه بلاست به درستی تشخیص داده است که در صورت اجرا نشدن صحیح همین قوانین جدید نیز گروه‌های آسیب‌پذیر همچنان بی‌بهره خواهند ماند.

ابتکارات توانمندسازی حقوقی این سازمان غیردولتی به این ترتیب، تغییر چشم‌انداز عدالت را برای زنان، فقرا، گروه‌های حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر به همراه داشته است. مطالبات عدالت‌خواهانه در روستاهای بنگلادش نشان‌دهنده موفقیت فعالیت‌های مؤسسه بلاست است. هنگامی که افراد خواهان عدالت به این سازمان غیردولتی رجوع می‌کنند، به راحتی به دادگاه‌های رسمی متصل می‌شوند. در واقع این سازمان به عنوان یک تسهیلگر وارد شده، ارتباط میان مردم و سیستم دادرسی رسمی را تسهیل می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. تاکنون در مؤسسه بلاست ۵۷۴۶۷ مورد پرونده حقوقی مددجویان فقیر و محروم، به اثبات رسیده است.



### نمودار ۱: فرایند حمایت توسط انجمن بلاست

\*انجمن بلاست (به تنهایی یا با همکاری یک سازمان غیردولتی دیگر یا مدعی العموم). یک پرونده دادخواست را به دادگاه ارسال می‌کند. حکم موقت توسط دادگاه صادر می‌شود.

در نهایت مؤسسه مذکور با اجرای پروژه‌های توانمندسازی حقوقی، به دستاوردهای متعددی برای توانمندسازی حقوقی زنان و افراد فقیر در بنگلادش دست یافت. اقدام آنها باعث جلوگیری از اخراج ساکنان مزارع یا تأخیر در آن، تغییر قوانین تبعیض آمیز جنسیتی و شیوه‌های استخدام دولتی شد. علاوه بر این، آنها موفق شدند خسارت کارگران مجروح و کشته شده در کارخانه‌های نایمن را تأمین کنند ( Dhaka, Bangladesh: Asia Foundation, 2006, 41) همچنین انجمن بلاست از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۷ پرونده بیش از ۳۵۰۰۰ نفر، عمدتاً زن را نمایندگی کرده و اکثر این پرونده‌ها برنده شده است.

انجمن بلاست، کلینیک کمک‌های قانونی برای افزایش آگاهی و تحقق حقوق قانونی زنان را در حاشیه داکا تأسیس کرده که در این کلینیک، به خشونت خانگی<sup>۱</sup> توجه ویژه شده است. این انجمن تحقیقات، بیش از ۱۷۵ پژوهش در خصوص نقض حقوق بشر زنان، کودکان، اقلیت‌های مذهبی و قومی و جامعه را بررسی کرده که این دادخواست‌ها منجر به دستورات قضایی و تفسیر گسترده حقوق اساسی تضمین شده در قانون اساسی بنگلادش شده است ( Begum, Ajnin, 2017: 48).

با گذشت سال‌ها، از میان ۱،۵۱۸۲ درخواست دریافت‌شده برای کمک‌های حقوقی، بلاست با حل و فصل آنها از طریق میانجی‌گری، به ۲۰،۱۳۳ پرونده پاسخ داده است (وبسایت مؤسسه بلاست به آدرس <https://www.blast.org.bd/who>).

۱. بیش از نود درصد از پرونده‌های خانواده را زنان تشکیل داده‌اند.



آنچه در مورد مؤسسه بلاست قابل توجه است، فعالیت هم‌زمان این مؤسسه در تمامی ابعاد توانمندسازی حقوقی است؛ به این معنا که این مؤسسه در کنار توجه به لزوم اصلاح قوانین، برای اجرای بیشتر و بهتر این قوانین نیز تلاش می‌کند (Harrold, 2007, p. 12-13).

به صورت خلاصه و در چارچوب مفهومی این پژوهش، مؤسسه بلاست نیز از فهم دقیق چالش موجود در جامعه محلی، فعالیت خویش را آغاز کرد؛ سپس در جهت رفع این چالش‌ها در پی تغییر در قوانین ملی،<sup>۱</sup> تغییر در اقدامات یا سیاست‌های دولت و افزایش شفافیت و پاسخگویی دولتی برآمد. کمک‌های حقوقی رایگان، استقرار واحدهای حمایت از حقوق بشر به ویژه در مناطق روستایی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی جهت آگاهی بخشی به زنان،<sup>۲</sup> و اتخاذ سازکارهایی جهت اطمینان از استفاده صحیح از قوانین موجود، از جمله سازکارهای مؤسسه بلاست است. در نتیجه ابتکارات این سازمان غیردولتی، مطالبات عدالت خواهانه در روستاهای بنگلادش افزایش یافت و از طریق اتصال راحت زنان به دادگاه‌های رسمی، ارتباط میان مردم و سیستم دادرسی رسمی تسهیل گشت.

### ج) مؤسسه بانگ توسعه آسیا

مؤسسه بانگ توسعه آسیا نیز مشابه دو مؤسسه قبلی، با این تفکر پا به عرصه گذاشت که جمعیت محروم، در تعیین سرنوشت زندگی خود نیز دچار محرومیت هستند. با توجه به این چالش بود که این مؤسسه توانمندی حقوقی را فرایند و هدف قرار داد؛ هدفی که با استفاده از قانون و ترکیبی از آموزش و اقدام جمعیت محروم به مطالبه حق تعیین سرنوشت خود، حاصل می‌شود.

توانمندسازی حقوقی بر این اساس، شامل ایجاد آگاهی انتقادی از طریق آموزش، درباره نابرابری‌هایی است که بر زندگی زنان، فقرا و حاشیه‌نشینان تأثیر می‌گذارد. در این نگاه، آموزش و پرورش کیفیت کار قانونی را افزایش می‌دهد، اما توانمندسازی حقوقی، شامل فراهم آوردن امکانات برای اعمال مهارت‌های لازم جهت تضمین اجرای حقوق، بهبود رفاه و پیشبرد منافع حقوقی جمعیت محروم است (Harrold, 200, p. 3).

۱. در حدود ۸۲ پرونده دادخواست برای منافع عمومی در دادگاه عالی بنگلادش، بخشی از فعالیت مؤسسه برای اصلاحات قانون و سیاست برای رفع موانع نهادی در تحول دادگستری است (وبسایت مؤسسه بلاست به آدرس <https://www.blast.org.bd/who>).

۲. مؤسسه به طور مرتب برنامه‌های آموزشی برای آگاهی بخشی درخصوص حقوق قانونی اعضای جامعه در حوزه‌هایی چون قوانین خانواده، قوانین جزایی، و قوانین زمین انجام می‌دهد. همچنین جلسات هماهنگی منظم با مقامات محلی، به ویژه با مقامات قضایی و سازمان‌های مدنی برگزار می‌کند.



طبق رويكرد مؤسسه بانك آسيا، راهبردهاى توانمندسازى بايد با ساير برنامه‌ها و راهبردهاى توسعه، هماهنگ باشد. افراد محروم مي‌توانند از طريق شركت در گروه‌هاى جامعه مدنى، قدرت را به دست آورند. در واقع توانمندسازى حقوقى، به يك محيط محلى مناسب و زيرساخت خدمات حمايتى نياز دارد و فقط در يك محيط اجتماعى پر جنب و جوش شكوفا مي‌شود. اما در كنار جامعه مدنى، منافع شخصى افراد محروم نيز به منظور توانمندسازى در نظر گرفته مي‌شود.

توجه اصلى اين رويكرد نيز مشابه رويكرد مؤسسه بلاست، به اجراى قوانينى است كه به صورت صحيح اجرا نشده‌اند. در مرحله بعد، اين مؤسسه بر اصلاح مقررات محلى و نيز شفافيت و پاسخگويى دولت محلى تاكيد دارد. به اين ترتيب، دولت به عنوان نهاد پاسخ‌دهنده به جامعه مدنى عمل مي‌كند و در نتيجه، توانمندسازى حقوقى در جامعه رخ مي‌دهد (Harrold, 2007, p. 4-5).

به طور كلّى مداخلات بانك توسعه آسيا در زمينه توانمندسازى زنان را بدين صورت مي‌توان بيان كرد: دسته اول، مداخلاتى است كه درباره زنان و با هدف آموزش‌هاى مورد نياز و ارتقاى مهارت آنان انجام مي‌شود. اين مداخلات با راهكارهاى از قبيل جلب حمايت زنان، مشاوره‌هاى آموزشى زنان، برگزاري كلاس و دوره‌هاى آموزشى انجام شده است.

دسته دوم مداخلات كه به مداخلات متمرکز بر سيستم مالى و وام‌دهى معروف‌اند، به منظور توانمندسازى اقتصادى زنان و استقلال مالى آنها و سرمايه‌گذاري است. راهكارهاى اين مداخلات از اين قرار است: دادن وام‌هاى كوچك، دادن اعتبارات مالى كوچك، وام‌هاى تشويقي، سرمايه‌گذاري اوليه غيرنقدى. به طور كلّى، پيامد حاصل از مداخلات متمرکز بر سيستم توانمندسازى اقتصادى، در حوزه‌هاى خرد و كلان است. هدف نهايى اين دسته از مداخلات نيز به طور مستقيم، عملياتى كردن آموزش‌ها و مهارت‌هاى آموخته‌شده بود.

به صورت خلاصه، مفهوم توانمندسازى در مؤسسه بانك توسعه آسيا، به عنوان يك فرايند سه‌بعدى مطرح است؛ فرايندى كه تمامى ابعاد شناختى، روانى و اقتصادى را در نظر مي‌گيرد. به عبارت ديگر، توانمندسازى، حاصل تركيبى از رشد آگاهى و مشاركت در گروه‌ها با در نظر گرفتن منافع شخصى افراد محروم است (Harrold, 2007, p. 8).

مؤسسه بانك توسعه آسيا فعاليت‌هاى خود را در سه سطح كلان، منطقه‌اى و محلى تنظيم مي‌كند. در سطح كلان، اهم فعاليت اين مؤسسه، بر تغيير در قوانين ملى، تغيير در اقدامات يا سياست‌هاى دولت، و تلاش براى افزايش شفافيت يا پاسخگويى دولت متمرکز شده است. اين مؤسسه در سطح منطقه‌اى، به دنبال افزايش صدا و قدرت زنان و فقرا در محاكمات حقوقى محلى، ايجاد كمپن‌هاى از افراد آموزش‌ديده در جامعه براى آگاهى‌بخشى حقوقى به جامعه، تغيير در شيوه‌ها و چشم‌انداز سازمان‌ها و



ادارات منطقه، و بهبود عملکرد دادگاه روستاها به نفع زنان و فقر است. در نهایت در سطح محلی، ایجاد بستر لازم برای دسترسی بیشتر افراد به امور حقوقی و کمک‌های حقوقی، از اهداف این سمن است. در نهایت، در چارچوب مفهومی این تحقیق، مؤسسه بانک توسعه آسیا فعالیت خویش را بر اساس یک چالش مشخص که برآمده از نیاز جامعه محلی بود، آغاز کرد؛ چالش محرومیت جامعه فقیر در تعیین سرنوشت زندگی خویش. این مؤسسه بر امر آموزش جمعیت محروم و اقدام آنها برای مطالبه حق، تمرکز کرد و سازکارهایی اتخاذ کرد که به ایجاد آگاهی انتقادی، تضمین اجرای صحیح قوانین، اصلاح مقررات محلی و ایجاد بستر لازم برای دسترسی بیشتر افراد به امور حقوقی و کمک‌های حقوقی، منجر شود. در مجموع می‌توان گفت سازمان‌های غیردولتی در بنگلادش، سازمان‌یافته، پیچیده و مستقل از دولت فعالیت می‌کنند. استقلال آنها از دولت باعث شده بتوانند به ترجیحات و درخواست‌های زنان توجه کنند و با برنامه‌های ابتکاری، سعی در تغییر فرهنگ و ساختار حاکم بر روابط و مناسبات حقوقی در کشور را دارند. در نتیجه فعالیت این سمن‌ها در بنگلادش، طی دو دهه گذشته، زنان در بنگلادش به تدریج وارد بازار کار شده، در برنامه‌های توسعه و نهادهای محلی مانند ارگان‌های دولت محلی، فعال شدند. سازمان‌ها سیستم وام اعتباری خرد را آغاز کردند؛ به طوری که بسیاری از زنان اکنون دارای درآمد و اشتغال<sup>۱</sup> هستند. ازدواج کودکان کاهش یافته است. مرگ و میرها به دلیل کاهش زایمان و افزایش میزان ناباروری زنان نیز کاهش یافته است. مطالبه‌گری زنان بنگلادش برای فرصت‌های برابر آموزشی نیز به گسترش آموزش عالی زنان در مناطق روستایی و شهری منجر شده و به دلیل آگاهی اجتماعی، این روند به طور مداوم افزایش می‌یابد. همچنین خشونت علیه زنان طی دو دهه گذشته کاهش یافته است (mohajan, 2011, p. 56).

## ۲-۴- توانمندسازی حقوقی زنان در ایران

پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه عطف مشارکت سیاسی اجتماعی زنان در ایران و آغازگر توجه ویژه به حقوق زنان دانست. اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا تأکید دارد. در ادامه، در اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده حقوق همه جانبه افراد، اعم از زن و مرد، امنیت قضایی عادلانه برای همه، تساوی عموم در برابر قانون، رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد در تمام زمینه‌های مادی و معنوی را تضمین کند. همچنین اصل بیست و یکم قانون اساسی، دولت را موظف کرده زمینه‌های رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی وی را فراهم سازد.

۱. حدود هشتاد درصد کارگران صنعت پوشاک صادراتی در داکا و چیتاگونگ، زنان هستند (ر.ک: <https://mpr.a.u.b.uni-muenchen>)



بر این اساس زنان در هنگام ازدواج و تشکیل خانواده، حقوق و مسئولیت‌هایی دارند که حق تعیین شروط ضمن عقد و ضمانت اجرایی شروط مندرج در حین زندگی مشترک، حق ثبت رسمی ازدواج زن و حقوق مالی در ایام زوجیت مانند مسکن مناسب، هزینه‌های جاری اعم از خوراک، پوشاک، هزینه‌های بارداری و شیردهی فرزند، و پشتوانه مالی تحت عنوان مهریه یا کابین زن، از جمله حقوق ضروری و اولیه ازدواج است. احقاق حقوق زنان به هنگام انحلال خانواده و متارکه، از نکات قابل توجه در قانون اساسی است. همچنین حق مالکیت بر اموال و دارایی‌های شخصی و حق برخورداری از بهداشت محیط کار، دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، از حقوق مندرج در قانون اساسی است (جهانگیر، ۱۳۸۶، ص ۳۱۲-۳۴۲).

در پرتو انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر ارتقای سطح مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی، برنامه سوم توسعه را می‌توان مهم‌ترین عامل رشد کمی و کیفی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران دانست. این برنامه بر استفاده از توان سمن‌ها برای حل بسیاری از معضلات اجتماعی تأکید داشت (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۵۸-۶۴). بنابراین موضوع حل معضلات اجتماعی از سوی دولت، به صورت پیش‌فرض برای سازمان‌های مردم‌نهاد ایران در نظر گرفته شد. یکی از این معضلات مهم اجتماعی، اعتیاد زنان و بحث زنان سرپرست خانوار بود؛ به طوری که اکنون حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، امور خیریه، حمایتی و مذهبی، از حوزه‌های مهم فعالیت سازمان‌های غیردولتی در کشورند (معاونت امور سازمان‌های مردم‌نهاد، ۱۳۹۰، ص ۱۴). بر این اساس، مؤسسات خانه خورشید، آتنا، انجمن ملی زنان کارآفرین، و کانون زنان حقوق‌دان سورا شکل گرفتند.

### الف) مؤسسه خانه خورشید

در سال ۱۳۸۴ به سفارش سازمان بهزیستی کشور و با هدف ایجاد نخستین مرکز کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان در خاورمیانه، خانه خورشید ایجاد شد و فعالیت خود را آغاز کرد. هدف مهم خانه خورشید، کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی برای زنان مصرف‌کننده مواد مخدر است. این مؤسسه بر آن است تا با همکاری با زنان معتاد، علاوه بر توانمند کردن آنها، به کمک این زنان، زنان محله و جامعه را توانمند کند.

مخاطبان اصلی این مؤسسه، زنان آسیب‌دیده از مصرف مواد مخدر، مبتلایان به ایدز و هپاتیت، زنان دارای رفتارهای پرخطر، آسیب‌دیدگان از خشونت‌های خانگی، بی‌خانمان‌ها و کارتن‌خواب‌ها و در کل، زنان محله می‌باشند که نیازمند دریافت خدمات حمایتی و اجتماعی هستند. خدمات این مؤسسه را به سه بخش می‌توان تقسیم کرد: خدمات حمایتی، خدمات توانمندساز، و خدمات توانمندسازی حقوقی. در بخش خدمات حمایتی، مددجویان، خدمات پزشکی و درمانی و بهداشتی و تغذیه‌ای دریافت



می‌کنند. خدمات مددکاری اجتماعی و مشاوره روان‌شناسی، برگزاری جلسات درمانی فردی و گروهی، روان‌شناختی توسط متخصص، و ارتباط با مدارس و تشویق مادران برای ثبت‌نام فرزندان در مدارس و مهدکودک‌ها از جمله خدمات توانمندسازی است که در این مؤسسه عرضه می‌شود.

در نهایت، این مؤسسه در راستای توانمندسازی حقوقی مددجویان نیز فعالیت‌هایی انجام می‌دهد. تلاش در راستای اشتغال پایدار برای مددجویان، مثل پیگیری بازگشت آنان به کار یا کاریابی برای آنان؛ ارتباط با مشاوران و مؤسسات حقوقی برای حل مسائل حقوقی، به‌ویژه دریافت شناسنامه برای مادران و فرزندان؛ کمک‌های فکری و عملی به مددجویان نیازمند، و پیگیری مشکلات حقوقی آنها از طریق مکاتبه با سازمان‌های مختلف مثل قوه قضائیه، ثبت احوال، شهرداری، بیمارستان‌ها، کلینیک‌های مشاوره بیماری‌های رفتاری، مرکز جمع‌آوری متکدیان، نیروی انتظامی و زندان، از جمله این فعالیت‌هاست.<sup>۱</sup>

این مؤسسه در همان ابتدای کار، اصلی‌ترین مشکل را امکان‌پذیر نبودن دریافت مدارک هویتی برای زنان آسیب‌دیده و فرزندان‌شان تشخیص داد. استدلال این مؤسسه این بود که این زنان به دلیل نداشتن هویت و شهروند به حساب نیامدن، به صورت طبیعی قادر نیستند از خدمات درمانی استفاده کنند. به این ترتیب و به دلیل هزینه‌های گزاف درمان، این افراد از درمان دور می‌شوند. مهم‌تر آنکه، همین چرخه برای فرزندان این زنان نیز ادامه می‌یابد. از این رو خانه خورشید با پیگیری‌های متعدد از سازمان‌های ثبت احوال، بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر، تلاش کرد برای حل این مشکل راهکاری بیابد؛ اما پس از نه سال تلاش و پیگیری نتوانست به نتیجه‌ای برسد و در نتیجه مدیریت این مؤسسه در سال ۹۳ واگذار گردید. به عبارت بهتر، همکاری نکردن دولت که خود گام نخست را برای ایجاد چنین مؤسسه‌ای برداشته بود و مهم‌تر از آن، مقررات و قوانینی که همدیگر را نقض می‌کردند، از جمله موانعی بود که مؤسسه بر اثر آنها به اهداف خود نرسید.

یکی دیگر از دلایل موفق نبودن این مؤسسه، هماهنگ نبودن امکانات این مؤسسه برای انجام وظایفش، با پروتکل تعریف‌شده سازمان بهزیستی بود. این مؤسسه بر پایه خدمات حمایتی بنا شده است؛ در حالی که بودجه سازمان بهزیستی بسیار کمتر از هزینه اداره مؤسسه است و این‌گونه خدمات مؤسسه در تعریف سازمان بهزیستی دیده نشده است. به تعبیر دیگر، وابستگی مالی به دولت یا خیران را می‌توان دلیلی دیگر بر ناموفق بودن مؤسسه خانه خورشید دانست.

در نهایت، پس از واگذاری مدیریت مؤسسه خانه خورشید، فعالیت‌های این مؤسسه تا سال ۹۶ عبارت بود از: خدمات مشاوره‌ای، اهدای لوازم و وسایل، خدمات پزشکی، خدمات آموزشی، خدمات

1 . <http://www.khanehkhorshid.ir>





گروه گشت سیار، چند مورد ارجاع به کمپ و مدیریت کارگاه توانمندسازی و اشتغال‌زایی. در سال ۹۶، ارجاع مراجعان به سایر مؤسسات نیز به خدمات این مؤسسه اضافه شد و آمار زنان در کارگاه توانمندسازی و اشتغال‌زایی به بیست نفر رسید و همین خدمات تا امسال ادامه یافته است. به صورت خلاصه و در چارچوب مفهومی این تحقیق، مؤسسه خانه خورشید را می‌توان یک مؤسسه نیمه دولتی و خدماتی و حمایتی معرفی کرد. این مؤسسه تلاش دارد با ارتباط با مشاوران و مؤسسات حقوقی، علاوه بر ایجاد دسترسی آسان زنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی، سازکاری جهت اطمینان از اجرای صحیح قوانین ایجاد کند. پیگیری مشکلات حقوقی زنان آسیب‌دیده از طریق مکاتبه با سازمان‌های مختلف، از جمله تلاش‌های این مؤسسه است. باین حال این مؤسسه نه تنها موفق به اصلاح قوانین نشد؛ در بهره‌برداری از قوانین موجود برای حل مشکل زنان جامعه هدف خویش نیز به موفقیت چشمگیری دست نیافت. به عبارت بهتر، وابستگی مالی به دولت و تمرکز مؤسسه بر خدمات‌رسانی به جامعه هدف را می‌توان از دلایل موفق نبودن این مؤسسه عنوان کرد.

### **ب) مؤسسه خیره آتنا**

مشابه خانه خورشید، مؤسسه خیره آتنا هم با دغدغه اعتیاد زنان و وجود زنان سرپرست خانوار شکل گرفته است. آنها به این نتیجه رسیدند که فقط کار تخصصی و علمی با گروه هدف مشخص و با منابع معین، می‌تواند نتیجه‌بخش باشد. بنابراین با جذب نیروهای متخصص رشته‌های روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی جهت انجام فعالیت‌های علمی و تخصصی، مؤسسه ارتقای کیفیت زندگی زنان آتنا تأسیس شد.

مؤسسه خیره آتنا بر این باور است که «با ارائه بهترین مدل از پیوند کار تخصصی و علمی با فعالیت میدانی و مدنی، یکی از خلاق‌ترین نهادهای مردمی برای فعالین اجتماعی و سازمان‌های بشردوستانه» است. بر این اساس، خدمات مؤسسه در راه توانمندسازی زنان و دختران، در سه حوزه آموزش، پژوهش، و خدمات حمایت و توانمندسازی انجام می‌شود. در بخش آموزش، فعالیت‌های ترویجی با هدف آموزش عموم افراد، دانشجویان رشته‌های مرتبط، و فعالان حوزه‌های اجتماعی در جهت اهداف مؤسسه، انجام می‌شود.

در واحد پژوهش، پروژه‌های مؤسسه از ابتدا تا انتها بررسی و ارزیابی علمی، و کیفیت و اثربخشی مداخلات مددکاران ارزیابی می‌گردد. همچنین با حمایت از پایان‌نامه‌ها و پروژه‌هایی که در جهت اهداف و فعالیت‌های مؤسسه است، حلقه ارتباط مؤسسه با دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی، تحقیقاتی و آموزشی شکل می‌گیرد.



در نهایت، واحد اصلی مؤسسه، بخش حمایت و توانمندسازی است که کمیته‌های متعدد، خدمات مؤسسه و حمایت‌هایش از خانواده‌های تحت پوشش را انجام می‌دهند. خدمات حمایتی این مؤسسه عبارت‌اند از: ایجاد خانه‌های حمایتی، پرداخت هزینه اسکان دختران بی‌سربناه، پرداخت کمک‌هزینه به زنان سرپرست خانوار، و حمایت‌های پزشکی و سلامت روان مهرجویان. همچنین برخی از فعالیت‌های این مؤسسه در راستای توانمندسازی حقوقی زنان است. حمایت حقوقی از کودکان بدسرپرست، حمایت حقوقی از زنان و دختران در معرض خشونت و زنان بدسرپرست و خودسرپرست و آموزش آنها به منظور توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی، کارآفرینی و ایجاد اشتغال، پیگیری مطالبات کودکان فاقد هویت و شناسنامه، پرداخت وام با کمک خیرین و صندوق مؤسسه، شرکت در بازارچه‌های خیریه، راه‌اندازی کارگاه خیاطی، و تولید محصولات غذایی و کارگاه مونتاژ اسباب‌بازی‌های چوبی، و مشاوره حقوقی وکلای داوطلب مؤسسه به خانواده‌ها، از جمله فعالیت‌های این مؤسسه است.<sup>۱</sup>

با این حساب، مؤسسه خیریه آتنا مؤسسه‌ای است که در ابتدا به صورت خودجوش شروع به فعالیت کرده و در ادامه ضمن آگاه‌سازی زنان از حقوق خود، می‌کوشد دسترسی آنان را به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی، تسهیل کند. همچنین با استفاده از ایده‌های ابتکاری مثل افتتاح کارگاه تولید کیسه و کیف‌های پارچه‌ای آتنا، در راستای توانمندسازی بانوان قدم برمی‌دارد. با این حال ترجیحات در حال رشد بانوان، تلاش برای تغییر محتوای قوانین و اتخاذ سازکارهایی جهت اطمینان از اجرای صحیح قوانین موجود، از جمله شاخص‌هایی است که فعالیت این مؤسسه را به حاشیه برده است.

### ج) انجمن ملی زنان کارآفرین

انجمن ملی زنان کارآفرین به همت تعدادی از کارآفرینان و صاحبان کسب و کار، با آرمان پیشگامی زنان ایران در نوآوری و کارآفرینی، برای توسعه متوازن و پایدار پا به عرصه فعالیت نهاد و در این راستا برای خود اهداف و برنامه‌هایی را تدوین کرد. ترویج و توسعه کارآفرینی، کمک به بهبود و اصلاح سیاست‌ها و قوانین حمایتی از زنان کارآفرین، فراهم ساختن زمینه لازم برای پرورش ایده‌های خلاق، کمک به پیوند منطقی و متناسب میان کارآفرینان و دولت و بانک‌ها و سایر ذی‌نفعان، و کمک به ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی میان زنان کارآفرین در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، از جمله برنامه‌های این مؤسسه است. به این منظور دو کمیته پژوهش و مشاوره هم در این مؤسسه تشکیل شده که پیگیری این برنامه‌ها را انجام می‌دهند.

1. Atena-ngo.com



پژوهش یکی از فعالیت‌های اصلی این مؤسسه است؛ به نحوی که سایر فعالیت‌ها بر مبنای آن صورت می‌گیرد. به باور این مؤسسه، توسعه و ترویج کسب و کار و کارآفرینی زنان، نیازمند پژوهش‌های کاربردی و اطلاعات نظام‌مند، از جمله شناسایی و معرفی فرصت‌های کسب و کار و کارآفرینی در حوزه‌های مختلف است. کمیته پژوهش، تأمین این نظام اطلاعاتی را به عهده دارد. این اطلاعات در نهایت به صورت سازمان‌دهی شده، برای کارآفرین، نهادها و سازمان‌های مرتبط، قابل استفاده است.

کمیته بعدی، کمیته مشاوره است که در راستای کارآفرینی زنان، چهار نوع مشاوره انجام می‌دهد: مشاوره‌های شتاب‌دهنده ایده، مشاوره تدوین طرح کسب و کار، مشاوره‌های قانونی بنگاه، و مشاوره‌های راه‌اندازی بنگاه. مؤسسه در اولین نوع مشاوره، تلاش می‌کند مفهوم ذهنی ایده به مفهوم عینی آن نزدیک‌تر شود. در مرحله بعد، مشاوره‌های تخصصی صرفاً برای افرادی انجام می‌شود که در صدد تدوین ایده خود در قالب طرح کسب و کار هستند. در نهایت برای زنانی که بخواهند برای هویت بخشیدن به کسب و کار خود، شرکت خصوصی تأسیس کنند، مشاوره‌های قانونی بنگاه و راه‌اندازی آن، انجام می‌شود. آشنایی با قوانین بیمه، مالیات، حقوق کار، و قوانین بانکی، از جمله مشاوره‌هایی است که در قالب مشاوره‌های قانونی بنگاه، برای صاحبان بنگاه‌ها در طول دوره فعالیت بنگاه انجام می‌شود. افزون بر این، راه‌اندازی بنگاه، نیازمند تأمین نیروی انسانی، تأمین تجهیزات، تأمین مواد اولیه، تأمین زمین یا ساختمان و تأمین سرمایه اولیه است که در این مؤسسه مشاوره در این زمینه‌ها نیز برای علاقه‌مندان انجام می‌شود.<sup>1</sup>

بنابراین انجمن ملی زنان کارآفرین به صورت خودجوش با هدف توانمندسازی زنان تأسیس شده است. در این راستا، این مؤسسه تلاش کرده از طریق آگامسازی زنان، با توجه به نیازهای در حال رشد آنان، زمینه‌های لازم برای پرورش ایده‌های خلاق آنها را فراهم سازد. در جهت دستیابی به این مهم، کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی مختلف برگزار می‌شود. مهم‌تر اینکه این مؤسسه بر آن است تا با ایجاد پیوند منطقی و متناسب میان کارآفرینان و دولت و بانک‌ها و سایر ذی‌نفعان، دسترسی زنان را به ساختارهای رسمی و غیررسمی، تسهیل سازد.

در نهایت، این مؤسسه تلاش می‌کند قوانین حمایتی از زنان کارآفرین را بهبود بخشیده، موجب اصلاح سیاست‌های مربوط شود. با این حال، این مؤسسه سازکاری جهت اطمینان از اجرای صحیح قوانین، پیش‌بینی نکرده است. همچنین اگرچه این مؤسسه تلاش می‌کند زمینه لازم برای پرورش ایده‌های خلاق را فراهم سازد، در جهت پرورش خود مؤسسه فعالیتی انجام نمی‌شود. به تعبیر دیگر، فعالیت‌های مؤسسه، بیشتر به برگزاری همایش‌های مختلف در حوزه کارآفرینی منحصر می‌شود.

1. <http://ea.wenet.ir>



برگزاری سیزده همایش با موضوع کارآفرینی در شهرهای تهران، کرج، یزد، قزوین و کرمان از جمله فعالیت‌های این مؤسسه است.

### د) قانون زنان حقوق‌دان سورا

قانون زنان حقوق‌دان سورا یکی دیگر از سمن‌هاست که سال ۱۳۹۳ به همت مرضیه محبی، مدیرعامل قانون زنان حقوق‌دان سورا، و با حمایت ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی تأسیس شد. توزیع نابرابر منابع و امکانات، تهی‌دستی زنان و محرومیت از مشارکت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را می‌توان از جمله دلایل شکل‌گیری این مؤسسه عنوان کرد (ایسنا، ۱۳۹۸). هدف اصلی این مؤسسه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در حوزه زنان و کمک به توانمندسازی آنان، و بهبود ارتقای وضعیت حقوقی و اجتماعی‌شان است که با حضور وکلا، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و فرهنگیان محقق می‌شود.

برگزاری همایش‌های مختلف با موضوع جهان بدون خشونت علیه زنان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، مشاوره‌های رایگان و قبول وکالت رایگان زنان زندانی، پرداخت هزینه‌های دادرسی به صورت شخصی، اخذ رضایت شاکیان، پرداخت مجازات‌های نقدی و دیه محکومان و یا اخذ برائی، بررسی حقوقی حق تابعیت کودکان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی و طرح اصلاح قوانین مربوط به تابعیت، گردهمایی حقوق کودکان و تلاش در راستای اجرای ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری، از جمله فعالیت‌های قانون زنان حقوق‌دان سورا است.

این مؤسسه بر این باور است که توانمندسازی زنان، از «گذرگاه آگاهسازی، ایجاد اعتماد به فعالان اجتماعی و فراهم کردن اسباب توسعه و دستیابی مردم به امکانات برابر» می‌گذرد. در این نگاه، توانمندسازی به معنی حمایت‌های معیشتی نیست، بلکه ایجاد حساسیت در مردم درباره سرنوشت خود و خارج کردن آنان از ورطه تقدیرپذیری است. قانون زنان حقوق‌دان سورا با این رویکرد نوین، گام اول توانمندسازی را برداشته و گام اول، آگاه کردن مردم و آوردن آنان به عرصه سخن در مساجد، مدارس و حاشیه شهر است که همچنان در حال اجراست (ایسنا، ۱۳۹۵).

بر این اساس قانون زنان حقوق‌دان سورا در واقع مؤسسه‌ای است که با همت شخصی گروهی از وکلا، ولی با حمایت دستگاه‌های دولتی تشکیل شده است. این مؤسسه هدف اصلی خویش را آگاهسازی زنان از حقوق خود، تسهیل دسترسی زنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی، توجه به لزوم تغییر محتوای قانون از طریق برنامه‌های هدفمند، و تأکید بر سازکارهایی جهت اطمینان از اجرای صحیح قوانین، قرار داده است.

با این حال این مؤسسه نیز مشابه مؤسسه زنان کارآفرین، خیریه آتنا و خانه خورشید نتوانسته در جهت



توانمندسازی خود مؤسسه گام بردارد. به تعبیر دیگر، اکثر فعالیتهای مؤسسه، ماهیتی حمایتی دارد. همچنین مؤسسه توانسته از ایده‌ها و ابتکارات داخلی، جهت توانمندسازی زنان استفاده کند. توجه به نیازها و ترجیحات در حال رشد زنان نیز به همین صورت به حاشیه رفته است.

اکنون بیش از بیست هزار سمن در کشور مجوز فعالیت دارند و از این تعداد، ۲۷۲۲ سمن در حوزه زنان فعالیت می‌کنند؛ اما تنها نیمی از آنها فعال، و نیمی دیگر غیرفعال یا نیمه‌فعال هستند. بر اساس آمار، تنها ۳/۴ در مباحث اجتماعی مشارکت دارند و این آمار پایین مشارکت، در گستره جغرافیایی نمود چندانی ندارد.

بسیاری از تشکلهای اجزای جامعه مدنی، علی‌رغم قابلیت‌های خوبی که دارند، با بی‌توجهی به اهمیت توانمندسازی حقوقی به‌طور عام، و توانمندسازی حقوقی زنان به‌طور خاص، از ابعاد مختلف توانمندسازی مزبور غفلت می‌ورزند و همین امر باعث می‌شود که گاه مجموعه فعالیت‌های آنان آسیب‌پذیر شود یا فرصت‌ها و منابع زیادی به هدر رود. این نارسایی را در بسیاری از تشکلهای می‌توان مشاهده کرد که چون از حیث حقوقی، شناخت لازم را از قوانین و مقررات ملی یا بین‌المللی ندارند، به درستی نمی‌دانند که برای پیگیری‌های مختلف موضوعی مربوط به حیطه فعالیت خود، در قوانین و مقررات و اسناد حقوقی بین‌المللی چه ضوابطی مقرر شده است که می‌تواند راهگشای بسیاری از چالش‌ها باشد یا گاه خود مانع حرکت‌های مثبت هستند و باید شبکه‌های مردمی فعالیت لازم را انجام دهند تا ضوابط قانونی دچار اشکال و ایراد، در مجاری قانونی ذی‌ربط اصلاح شوند (کرمانیان، ۱۳۹۹، ص ۱۴۲).

## ۵- نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در ابتدا آمد، اساس شکل‌گیری و قدرت یافتن سمن‌ها بر کاستن از اختیارات دولت‌ها استوار بوده است. بر این اساس، این سازمان‌ها باید ماهیتی غیردولتی و مستقل از دولت داشته باشند تا بتوانند به لحاظ سیاسی بر عملکرد دولت تأثیرگذار باشند. با گسترش تحولات علمی و ارتباطات و آگاهی‌های اجتماعی، توانمندسازی حقوقی زنان به هدف اصلی برخی از این سمن‌ها تبدیل شده است. یکی از کشورهایی که در راستای توانمندسازی حقوقی زنان به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است، بنگلادش است. بر این اساس مسئله اصلی این پژوهش شکل‌گرفت: چه تفاوتی میان دو کشور ایران و بنگلادش در توانمندسازی حقوقی زنان به لحاظ ظرفیت‌های سمن‌ها وجود دارد؟

به این منظور اندیشه‌های مختلف در حوزه توانمندسازی حقوقی بررسی، و درنهایت در پرتو اندیشه مارگارت شولر و آرای استفن گلوب، چارچوب مفهومی این تحقیق صورت‌بندی شد. توجه هم‌زمان به لزوم آگاه‌سازی زنان از حقوق خود و لزوم دسترسی آنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی، در



نظر گرفتن مسائل براساس نیازها و ترجیحات در حال رشد و تحول افراد و نه به صورت ترجیحات از پیش تعیین شده نهادهای دولتی، استفاده از ایده‌ها و ابتکارات داخلی یا تجربه دیگر کشورهای در حال توسعه برای حل مسائل و نه تجارب و ایده‌های وارداتی غربی، لزوم برنامه‌های هدفمند در جهت تغییر محتوای قانون و لزوم سازکارهایی جهت اطمینان از اجرای صحیح قوانین حامی حقوق زنان، از شاخص‌هایی بود که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفت.

جامعه آماری این پژوهش، سمن‌هایی از دو کشور ایران و بنگلادش بودند که در راستای توانمندسازی حقوقی زنان، فعالیت قابل توجهی داشته‌اند. به این ترتیب از کشور بنگلادش، مؤسسه بانک گرامین، مؤسسه بلاست، و مؤسسه بانک توسعه آسیا مورد توجه قرار گرفت و از ایران مؤسسات خانه خورشید، آتنا، انجمن ملی زنان کارآفرین و کانون زنان حقوق‌دان سورا. در ادامه با استفاده از روش اسنادی و در چارچوب مفهومی، داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش ارائه، و تحلیل و بررسی شد. به این صورت شاخص‌های مؤسسات مذکور به دست آمد:

مؤسسه بانک گرامین: ورود به جامعه محلی، کشف نیازهای واقعی زنان، درک درست از نیازها، استفاده از ابتکار، اتخاذ سیاست جدید و مبتکرانه، کاهش اتکا به منابع کمک‌دهنده، استقلال مدیریتی در تدوین سیاست‌های عملیاتی، نظارت دقیق بر اجرای قوانین حامی، تسهیل دسترسی زنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی و تغییر و اصلاح محتوای قوانین از طریق برنامه‌های هدفمند. مؤسسه بلاست: فهم دقیق چالش موجود در جامعه محلی، تلاش برای تغییر در قوانین ملی و تغییر در اقدامات یا سیاست‌های دولت و افزایش شفافیت و پاسخگویی دولتی، کمک‌های حقوقی رایگان، اتخاذ سیاست مبتکرانه، استقرار واحدهای حمایت از حقوق بشر به ویژه در مناطق روستایی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای آگاهی‌بخشی به زنان، اتخاذ سازکارهایی برای اطمینان از استفاده صحیح از قوانین موجود و ایجاد تسهیلات جهت اتصال راحت زنان به دادگاه‌های رسمی.

مؤسسه بانک توسعه آسیا: شناسایی چالش‌های برآمده از نیاز جامعه محلی، سیاست‌گذاری در دو محور آموزش و اقدام، ایجاد آگاهی انتقادی در زنان، اتخاذ سازکاری برای تضمین اجرای صحیح قوانین، اصلاح مقررات محلی و ایجاد بستر لازم برای دسترسی بیشتر افراد به امور حقوقی و کمک‌های حقوقی. مؤسسه خانه خورشید: مؤسسه نیمه‌دولتی و خدماتی و حمایتی، ایجاد دسترسی آسان زنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی، اتخاذ سازکاری برای اطمینان از اجرای صحیح قوانین، موفق نشدن در اصلاح قوانین و نیز در بهره‌برداری از قوانین موجود، وابستگی مالی به دولت و تمرکز مؤسسه بر خدمات‌رسانی به جامعه هدف.

مؤسسه خیریه آتنا: شروع فعالیت به صورت خودجوش، تلاش جهت آگامسازی زنان از حقوق خود،



ایجاد تسهیل در دسترسی آنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی، اتخاذ ایده‌های ابتکاری مثل افتتاح کارگاه تولید کیسه و کیف‌های پارچه‌ای آنها در راستای توانمندسازی بانوان، توجه ناکافی به ترجیحات در حال رشد بانوان، توجه ناکافی به تغییر محتوای قوانین و اتخاذ نکردن سازکارهایی جهت اطمینان از اجرای صحیح قوانین موجود.

انجمن ملی زنان کارآفرین: تأسیس خودجوش با هدف توانمندسازی زنان، آگاه‌سازی زنان با توجه به نیازهای در حال رشد آنان، ایجاد زمینه‌های لازم برای پرورش ایده‌های خلاق آنها، برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی مختلف، تسهیل‌سازی دسترسی زنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی از طریق ایجاد پیوند منطقی و متناسب میان کارآفرینان و دولت و بانک‌ها و سایر ذی‌نفعان، تلاش برای بهبود قوانین حمایتی از زنان کارآفرین و اصلاح سیاست‌های مربوط، تعیین نکردن سازکاری برای اطمینان از اجرای صحیح قوانین، اتخاذ نکردن سیاست مبتکرانه برای پرورش مؤسسه.

کانون زنان حقوق‌دان سورا: تشکیل به همت شخصی و نیز گروهی از وکلا و با حمایت دستگاه‌های دولتی، آگاه‌سازی زنان از حقوق خود، تسهیل دسترسی زنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی، توجه به لزوم تغییر محتوای قانون از طریق برنامه‌های هدفمند و تأکید بر سازکارهایی جهت اطمینان از اجرای صحیح قوانین، بی‌توجهی به سازکارهایی جهت توانمندسازی خود مؤسسه، تمرکز مؤسسه بر فعالیت‌های حمایتی، اتخاذ نکردن سیاست‌های مبتکرانه در جهت توانمندسازی زنان.

این شاخص‌ها به صورت خلاصه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: مقایسه سازمان‌های مردم‌نهاد بر اساس شاخص‌های توانمندسازی حقوقی زنان

شاخص‌های توانمندسازی حقوقی زنان						سازمان‌های مردم‌نهاد	
درخواست	محتوا	ابتکارات	ترجیحات	ساختار	فرهنگ		
✓	✓	✓	✓	✓	✓	مؤسسه بانک گرامین	بنگلادش
✓	✓	✓	✓	✓	✓	مؤسسه بلاست	
✓	✓		✓	✓	✓	مؤسسه بانک توسعه آسیا	
			✓	✓	✓	مؤسسه خانه خورشید	ایران
		✓	✓	✓	✓	مؤسسه خیریه آتنا	
			✓	✓	✓	انجمن ملی زنان کارآفرین	
✓	✓		✓	✓	✓	کانون زنان حقوق‌دان سورا	



همان‌گونه که در جدول نیز مشخص است، میان سمن‌های بنگلادش و ایران شباهت‌هایی وجود دارد که در شاخص‌های فرهنگ، ساختار و ترجیحات، مشاهده می‌شود. در این دو کشور، سمن‌ها به ضرورت آگامسازی زنان از حقوق خود، لزوم دسترسی زنان به ساختارهای رسمی و غیررسمی دادرسی و نیازها و ترجیحات در حال رشد و تحول زنان، توجه داشته‌اند.

در اینجا می‌توان به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داد؛ پاسخی که به روشنی در جدول آمده است. بر این اساس، اصلی‌ترین تفاوت میان سمن‌های بنگلادش و ایران به لحاظ توانمندسازی حقوقی زنان، در شاخص‌های ابتکارات، محتوا و درخواست بوده است. سمن‌های بنگلادش تلاش می‌کنند از ایده‌ها و ابتکارات داخلی برای حل مسائل خویش استفاده کنند؛ اما در ایران وابستگی به تجارب و ایده‌های وارداتی، قابل ملاحظه است.

همچنین در بنگلادش، مؤسسات بر آن هستند که با اجرای برنامه‌های هدفمند، در مسیر تغییر محتوای قانون گام بردارند و مهم‌تر آنکه سازکارهایی برای اطمینان از اجرای صحیح قوانین حامی حقوق زنان اتخاذ کنند؛ اما در ایران این سازوکارها به حاشیه رفته یا شکست خورده است؛ این در حالی است که قوانین ایران و بنگلادش، به لحاظ توجه به حقوق زنان، شباهت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند. تأکید بر برابری حقوق زنان و مردان، عزت و کرامت و ارزش والای آنان، احترام به مالکیت خصوصی املاک زنان، برابری در برابر قانون، امنیت قضایی عادلانه، ایجاد فرصت برابر در اشتغال عمومی و همه حوزه‌های زندگی ملی، تضمین حق مالکیت و انتقال اموال و حق شرکت زنان در انتخابات، به صورت مشابه در قوانین دو کشور ایران و بنگلادش مشهود است. همچنین طبق همین قوانین، دولت موظف است مانع هر نوع بهره‌برداری از بخش‌های عقب مانده مردم شده، امنیت اجتماعی آنان را تضمین کند؛ اما نکته قابل توجه این است که بر اساس اصل ۴ قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران، کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد؛ در حالی که ماده ۲ و ۲۸ قانون اساسی جمهوری بنگلادش اگرچه اسلام را دین رسمی می‌داند، بر برابری مذاهب نیز تأکید می‌شود (Government of Bangladesh: 1972).

با این حال در بنگلادش شاهد قدرت اجرایی امور شخصی مربوط به ادیان، و عرف و عادات محلی در بین پیروان ادیان و مذاهب و بومیان محلی هستیم که موجب تبعیض ناروا و تضییع حقوق زنان شده است؛ اما در ایران با عنایت به اینکه اکثریت مردم مسلمان هستند، این چندگانگی چندان مشهود نیست؛ هرچند تفاسیر مختلف از اسلام، گاهی باعث محدودیت‌هایی در اجرای اصل برابری قانون اساسی شده است. همچنین ناوابستگی سمن‌ها در بنگلادش، در مقابل نیمه‌دولتی بودن سمن‌های ایران و تغییر ماهیت سمن‌های ایران از اصلاحگر به حمایتگر را می‌توان به عنوان ریشه این تفاوت‌ها بیان کرد. در بنگلادش همان‌گونه که بیان شد، سمن‌ها از ابتدا به صورت خودجوش و برای اصلاح دولت، قدم در





میدان اجتماع نهادند؛ اما در ایران این دولت بود که در مقام آغازگر یک جریان اجتماعی، در سمن‌ها دخالت کرد. در همین راستا می‌توان یکی از عوامل دست‌وپاگیر سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران را قوانین و مقررات حاکم بر ایجاد آنها دانست؛ برای مثال، اکثر این سازمان‌ها دچار مشکل ثبت هستند. این فرایند در ایران تا حدودی کُند، سخت و با صرف هزینه امکان‌پذیر است (قشقایی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳).

در همین راستا می‌توان ضعف مدیریتی در سازمان‌های مردم‌نهاد ایران و به کار نگرفتن نوآوری در اداره سازمان را ناشی از همین وابستگی آنها به دولت دانست (همان، ص ۱۸۳). در مقابل، یکی از ویژگی‌های مهم سازمان‌های مردم‌نهاد بنگلادش، کیفیت مطلوب مدیریت در آنهاست. همچنین دولت بنگلادش با واگذاری پروژه‌های دولتی به سازمان‌های مردم‌نهاد و شکل دادن تعامل سازنده، زمینه کارآمدی و پایداری این سازمان‌ها را فراهم می‌کند؛ اما در ایران، از دست دادن انگیزه به دلیل دسترسی نداشتن به منابع مالی و غیرمالی، یکی دیگر از دلایل موفق نبودن و تداوم نداشتن فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد است (همان، ص ۱۸۴).

همچنین سمن‌ها در بنگلادش برای مقابله با رویکرد جبری موجود به موضوع فقر ایجاد شدند؛ اما در ایران موضوع حل معضلات اجتماعی از سوی دولت به صورت پیش‌فرض برای سمن‌های ایران در نظر گرفته شد. به عبارت بهتر، از ویژگی‌های بارز سمن‌ها در بنگلادش، وابستگی ناچیز آنها به منابع اهدایی است. درواقع، سیاست‌های ابداعی همراه با روش‌های عملیاتی، باعث توانایی این مؤسسات در غلبه بر محدودیت‌های مختلف شده است. این درجه از استقلال، باعث توجه آنها به ترجیحات زنان شده، با برنامه‌های ابتکاری سعی در تغییر فرهنگ و ساختار حاکم بر روابط و مناسبات حقوقی در کشور دارند؛ اما در ایران همچنان تأثیر و نفوذ دولت در تعیین ترجیحات سمن‌ها ملموس است؛ برای مثال پیگیری برخی از برابری‌های زنان و مردان توسط سازمان‌های مردم‌نهاد با مخالفت‌های دولت مواجه می‌شود؛ درحالی‌که تأسیس انجمن‌های خیریه و مؤسسات پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مورد حمایت دولت قرار می‌گیرند.

## منابع

- ۱) بابامرادی، سهیلا، ۱۳۷۸، «شیوه‌های حضور اثرگذار و کارآمد سازمان‌های غیردولتی در مجامع بین‌المللی»، مجموعه مقالات دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی (نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی)، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، چاپ نخست: بهار ۱۳۸۰.
- ۲) بیگزاده، ابراهیم، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵.
- ۳) پاسبان، فاطمه، ۱۳۹۶، «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه پایدار روستایی»، *روزنامه شرق*، شماره ۲۹۳۴، به آدرس <https://www.magiran.com>، در تاریخ ۹۹/۰۳/۱۷.
- ۴) تودارو، مایکل، ۱۳۸۹، «نقش توسعه سازمان‌های غیردولتی»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۲۲۰۰، به آدرس <https://donya-e-eqtasad.com>، در تاریخ ۹۹/۰۳/۱۷.
- ۵) جهانگیر، منصور، ۱۳۸۶، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۴۹، تهران، انتشارات دوران.
- ۶) حسن زاده، علی و ازوجی، علاالدین و قویدل، صالح، بهار ۱۳۸۵، «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی»، *نشریه اقتصاد اسلامی*، دوره ۶، شماره ۲۱.
- ۷) رفیعی، شهرام، ۱۳۸۸، «توانمندسازی؛ راهنمای جامعه ایمن»، تهران، نشر نی.
- ۸) رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، «مطالعه تطبیقی وضعیت حقوق سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه؛ از تأسیس تا فعالیت»، *نشریه مطالعات تطبیقی*، دوره ۶، شماره ۲.
- ۹) روبن، متیو، ۱۳۹۰، «مروری بر تجربه موفق گرامین بانک در بنگلادش»، ترجمه: طاهری، مینا و صمیمی، مهدی، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۲۵۷۶، به آدرس <https://donya-e-eqtasad.com>، در تاریخ ۹۹/۰۳/۱۷.
- ۱۰) رودگر، نرجس، بهار ۱۳۸۸، «تاریخچه نظریات، گرایش‌ها، نقد فمینیسم»، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (با حمایت سازمان ملی جوانان).
- ۱۱) صادقیان، الهام و بیات، روح‌الله، زمستان ۱۳۹۴، «بررسی مقایسه‌ای برآورد ظرفیت‌های تجاری بین ایران و کشورهای گروه دی هشت براساس الگوهای متعارف تجارت بین‌الملل»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد توسعه اقتصادی*، دوره ۶، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۴.
- ۱۲) فرامرزی قراملکی، احد، بهار ۱۳۸۸، «*اخلاق در سازمان‌های مردم‌نهاد*»، نشر: تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده، نوبت چاپ اول.



۱۳) قشقای، فرشته، ۱۳۷۸، «نقش سازمان‌های غیردولتی زنان در اداره امور عمومی کشور، نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی: مجموعه مقالات همایش، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه»، تهران، وزارت کشور، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی.

۱۴) کرمانیان، رقیه، تابستان ۱۳۹۹، «توانمندسازی حقوقی زنان از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد، با تأکید بر استان یزد»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد میبد.

۱۵) یونس، محمد، ۲۰۱۰، «جهانی بدون فقر: کسب و کار اجتماعی و آینده سرمایه داری»، ترجمه: تیماجی، علی و فنائیان، امیلیا و دیگران، انتشارات مدرسه پرتو.

۱۶) وبسایت خانه خورشید، ۱۳۹۸/۰۳/۱۸: <http://fs.women.af>.

۱۷) وبسایت انجمن خانه خورشید، ۱۳۹۸/۰۳/۲۰: <http://www.khanekhorshid.ir>.

۱۸) وبسایت مؤسسه خیریه ارتقای کیفیت زندگی زنان آتنا، ۱۳۹۸/۰۳/۲۰: <https://atena-ngo.com>

۱۹) وبسایت انجمن زنان کارآفرین، ۱۳۹۸/۰۳/۲۰: <https://ibarista.ir>

20) Golub, Stephen, ed, (2010), *Legal Empowerment: Practitioners' Perspectives*, Rome: International Development Law Organization, p-919.

21) Golub, Stephen. (October ۲۰۰۳) No, *Beyond rule of law orthodoxy: the legal empowerment alternative*, Working Papers Rule of Law Series, Democracy and Rule of Law Project, Carnegie Endowment for International Peace, Washington D.C., U.S.A. at.

22) Government of Bangladesh. (1972). *The Constitution of the People's Republic of Bangladesh*.

23) Harrold, Daphne Keevil, (2007). *Legal Empowerment Strategies in Bangladesh: Empowering Women and Poor People through Legal Means*. Dhaka: BRAC.

24) Hosken, Fran. P. (1981). *Toward a Definition of Women's Human Rights*. Hum. Rts. Q., 3, 1

- 25) Lockwood, Bert, ed, (2006), Women's rights: a human rights quarterly reader, Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- 26) Sourav, Raisul Islam, (2015), Unjust Land Right of Women in Bangladesh, International Research Journal of Interdisciplinary & Multidisciplinary Studies (IRJIMS), A Peer-Reviewed Monthly Research Journal, ISSN: 2394-7969 (Online), ISSN: 2394-7950 (Print), Volume-I, Issue III, April 2015, Page No. 5-13, Published by: Scholar Publications, Karimganj, Assam, India, 788711
- 27) Begum, Ajnin, and Nirmal Kumar Saha. (2017). Women's Access to Justice in Bangladesh. Journal of Malaysian and Comparative Law, 44(2. Dec.), 45-64.
- 28) Mohajan, Haradhan. "Are Bangladeshi women enjoying human rights properly" (2018): 43-56.